

## Elderly Victims; Disabilities and Protections

Beigi J<sup>1</sup>

### Abstract

**Introduction and purpose:** Population aging in Iran is on a steep pace, however, there is still insufficient planning and focus in this area and the regulation of elderly affairs is not adequately supported. An analysis of the current situation and the future outlook suggests that there are disabilities in the present, and that the complexity and challenges of the future will be compounded and expanded in the not too distant future. Therefore, attention to these disabilities and support for the elderly, although late, is inevitable. The aim of this paper is to explain the elderly victimization as a disability category and to identify the disability and its protection needs in Iran.

**Methods & Materials:** In this qualitative study, document analysis method was used. Referring to the position of the elderly in Islamic and ethical doctrines as well as Iranian regulations, the need to address the elderly victimization and the gaps and challenges of supporting this disadvantaged class have been analyzed and discussed.

**Findings:** Identifying and arresting violators of elderly rights and paying attention to their inability to conduct preliminary investigations and other proceedings and generally protecting the legal rights of this category of disabled victims is manifested as criminal protections. However, respecting human dignity, paying attention to the concerns and concerns of the elderly, and expressing empathy and sympathy for them in times of distress are among the essential transcendental support that is facing serious vacuum and challenge in Iran.

**Conclusion:** With the enactment of the Criminal Procedure Code of 2013 and inspired by the approach of restorative justice, although Iranian legislators have considered the victim rights. However, regarding the comprehensive support for disadvantaged victims, especially the elderly, in terms of psychological and medical interventions and other forms of transnational support, there are many legislative, judicial and administrative challenges and gaps.

**Keywords:** Elderly, Disabled Victim, Criminal Support, Transcendental Support

Received: 2018/11/09

Accepted: 2018/12/11

Copyright © 2018 Quarterly Journal of Geriatric Nursing. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution International 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>) which permits copy and redistribute the material, in any medium or format, provided the original work is properly cited.

1 - Associate Professor of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Iran  
**(Corresponding Author):** E-mail: [jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir](mailto:jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir)

## سالمندان بزه دیده؛ ناتوانی‌ها و حمایت‌ها

جمال بیگی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۲۰

### چکیده

**مقدمه و هدف:** سالمندی جمعیت در ایران با شبی تندی در حال وقوع است، لیکن هنوز برنامه‌ریزی و تمرکز کافی در این زمینه صورت نگرفته و ساماندهی امور سالمندان از پشتونه قانونی کافی برخوردار نیست. تحلیل وضعیت فعلی و دورنمای آینده حاکی از وجود ناتوانی‌ها در حال حاضر و پیچیده‌تر شدن و گسترش یافتن چالش‌ها و مشکلات در آینده نه چندان دور است. لذا توجه جدی به این ناتوانی‌ها و حمایت از سالمندان، گرچه دیرهنگام بوده، ولی امری اجتناب‌ناپذیر است.

**اهداف:** هدف این مقاله، تبیین بزه دیدگی سالمندان به عنوان قشری ناتوان در قبال بزه دیدگی و شناسایی ناتوانی‌ها و ضرورت‌های حمایت از آن‌ها در ایران است.

**مواد و روش‌ها:** در این تحقیق کیفی از روش تحلیل سند استفاده شده است. با اشاره به جایگاه سالمندان در آموزه‌های اسلامی و اخلاقی و همچنین مقررات ایران، بایدونبایدهای فاروی بزه دیدگی سالمندان و خلاهای و چالش‌های حمایت از این قشر ناتوان مورد تحلیل و بحث قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** شناسایی و دستگیری ناقضان حقوق سالمندان و توجه به ناتوانی آن‌ها در فرایند تحقیقات مقدماتی و سایر مراحل دادرسی و به طور کلی حمایت از حقوق قانونی این قشر از بزه دیدگان ناتوان، به صورت حمایت‌های کیفری تجلی پیدا می‌کند. لیکن رعایت کرامت انسانی، توجه به نگرانی‌ها و آلام سالمندان و ابراز همدردی و همدلی با آن‌ها در موقع بزه دیدگی از جمله حمایت‌های فراکیفری بایسته‌ای است که در ایران با خلا و چالش جدی مواجه است.

**نتیجه‌گیری:** با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و الهام از رویکرد عدالت ترمیمی، هرچند قانون‌گذار ایران حقوق بزه دیده را مدنظر قرار داده است. لیکن در خصوص حمایت همه‌جانبه از بزه دیدگان ناتوان به خصوص سالمندان، از حیث مداخلات روان‌شناختی و پژوهشی و سایر گونه‌های حمایتی فراکیفری، چالش‌ها و خلاهای تقيینی، قضایی و اجرایی زیادی وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سالمند، بزه دیده ناتوان، حمایت کیفری، حمایت فراکیفری.

۱-دانشیار گروه حقوق، جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
(نویسنده مسؤول). پست الکترونیکی: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

## مقدمه

چین و چروک پوست، ریزش مو، کاهش قدرت دید، نقصان شنوایی، خمیدگی، کندی در تحرک، کاهش قدرت عضلانی، اختلال و آشفتگی در حافظه و ادراک، اختلال در جهت‌بایانی، کاهش ظرفیت و کارآیی ریه‌ها و سیستم قلبی و عروقی از جمله مهم‌ترین تغییراتی هستند که در ساختمان و عمل اعضاء مختلف بدن سالمندان به وجود می‌آیند<sup>(۳)</sup>. حس رهاشدگی، بهت‌زدگی، انفکاک شغلی، جدایی تعاملاتی، وابستگی اقتصادی، حس کنترل زدایی و احساس نزدیکی مرگ هم از جمله چالش‌هایی هستند که سالمندان در این دوره با آن مواجه هستند<sup>(۴)</sup>. لذا با شناخت حقوق سالمندان و حمایت از آن‌ها بایستی ضعف و ناتوانی سالمندان را به کمترین حد رساند. سالمند بزه دیده از لحظه وقوع جرم تا رسیدگی نهائی به آن به شکل‌های مختلفی در تعامل با پلیس است. اقدام‌های صحیح، سریع و دقیق پلیس در رعایت حقوق و خواسته‌ها، منجر به کاهش آسیب‌های سالمندان بزه دیده شده و متقابلاً عملکرد نادرست پلیس می‌تواند به تشديد آسیب‌های این قشر از بزه دیدگان ناتوان منجر شود<sup>(۵)</sup>. لذا پلیس یا ضابطان قضایی به عنوان نخستین مرجع دولتی که سالمندان بزه دیده همانند سایر بزه دیدگان با آن مواجه می‌شوند، نقش مهمی در کاستن از آسیب‌های مادی و معنوی آن‌ها دارد. این حمایت می‌تواند به صورت توجه به حقوق و کرامت انسانی سالمندان بزه دیده، توجه به نگرانی‌ها و آلام و نیز ابراز همدردی و همدلی با آن‌ها تجلی پیدا کند<sup>(۶)</sup>. راتوس (Ratus) معتقد است که حمایت اجتماعی اثرهای نامطلوب فشار روانی را از طریق توجه عاطفی؛ یاری رساندن؛ ارائه اطلاعات؛ ارزیابی و جامعه‌پذیری تعدیل و تضعیف می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی نقش واسطه‌ای بر فرایند فشار روانی دارد. افرادی که حمایت اجتماعی بیشتری دریافت می‌کنند از آثار بیماری ناشی از داغ‌دیدگی، کمتر رنج می‌برند. توئیس (Tottis) معتقد است وقتی که حمایت اجتماعی از طرف افرادی که دارای ارزش‌ها و ویژگی‌های مشترک با فرد هستند یا دارای استرس‌های مشابه با فرد هستند، دریافت شود مؤثر است<sup>(۷)</sup>.

## پیشینه

در نخستین کنفرانس ملی قربانیان بزه (تورنتو، ۱۹۸۵) جیش بزه دیده صنعت توسعه یافته دهه نامیده شد. در بریتانیا این جیش به عنوان خودجوش که سریع‌ترین رشد و توسعه را داشته،

اندیشه حمایت از بزه دیدگان و یا اعطای نقش بیشتر به آنان در فرایند کیفری، ریشه در تغییر الگوی نگرش نسبت به جرم دارد که از درون چنین تغییر نگرشی اندیشه عدالت ترمیمی (Restorative Justice) در مقابل اندیشه سنتی عدالت کیفری (Criminal Justice) رخ نموده است. به موجب الگوی عدالت ترمیمی، بزه اساساً تعدی تجاوز به فردی دیگر و روابط میان فردی است و به عنوان نقض حقوق یک شخص توسط شخص دیگر و اختلاف میان آن‌ها تعریف می‌شود و تمرکز بر روی حل و فصل اختلاف، مسئولیت‌ها و تعهدات طرفین بزه است و لذا این رویکرد آینده مدار هست. در حالی که در الگوی قیمیم یعنی عدالت سزاده‌نشانه، جرم به عنوان نقض قوانین دولت تعریف می‌شود و تمرکز بر روی سرزنش و تقصیر اخلاقی بزه کار بوده و لذا این رویکرد گذشته مدار است. این تغییر رویکرد عدالت ترمیمی در نگرش به جرم را بسیاری بازگشت به نگرش باستانی نسبت به پیامدهای جرم و اولویت بخشیدن به جنبه خصوصی جرم در برابر جنبه عمومی آن تلقی می‌کند<sup>(۱)</sup>. طرح اندیشه‌های امیل دورکیم (Emile Durkheim) مبنی بر بهنجار و طبیعی بودن وجود جرم در جامعه و نظریه‌های پس از آن، رفتارهای گروهی از جرم شناسان را بر آن داشت که در کنار پرداختن به مرتكب اصلی جرم یعنی بزه کار، بخشی از تحقیقات خودرا متوجه معلول این پدیده یعنی بزه دیده نمایند. بدین‌سان بزه دیده شناسی (Victimology) نیز که در رویکرد اولیه آن بیشتر به دنبال کشف دلایل جرم از سوی بزه دیدگان بود، به سوی هدف حمایت از بزه دیده و شناسایی نیارهای وی تغییر جهت داد و رفتارهای دریافت که بسیاری از قربانیان جرائم، به‌ویژه بزه دیدگان خاص هم چون زنان، کودکان، اقلیت‌های بزه دیده و سالمندان، پس از روبرو شدن با رفتار و پاسخ‌گویی نامناسب پلیس، ضابطان و مقام‌های قضایی، دچار رنج و آسیب‌دیدگی دوباره می‌شوند تا حدی که بزه دیده شناسان از آن به بزه دیدگی ثانوی (Secondary Victimization) تغییر می‌کنند<sup>(۲)</sup>.

سالمندی، دوران مهمی از زندگی است که با سیر طبیعی تغییرات فیزیولوژیکی و روانی و متعاقب آن با تنهایی، بیماری، ناتوانی، از کارافتادگی و بزه دیدگی همراه است. سفید شدن مو و

شناسان، به مطالعه پدیده سالمند آزاری (Elder Abuse) و علل بزه دیدگی سالمندان و راههای پیشگیری از آن پرداختند. به دنبال این تلاش‌ها، برخی از نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه شورای اروپا و سازمان ملل متحد، با برگزاری چند کنفرانس و صدور توصیه‌نامه‌هایی به این موضوع پرداختند (۱). بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل نسبت جمعیت سالمند از ۱۰.۵ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۲۱.۸ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (نگاره ۱). جمعیت سالمندان ایران از ۳.۹ درصد در سال ۱۳۳۵ با افزایش نزدیک به دو برابر به ۷.۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. هم‌چنین تعداد مطلق جمعیت سالمندان طی نیم قرن اخیر نزدیک به هفت برابر افزایش یافته است. برابر آخرین سرشماری از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۵، رده سنی بالای ۶۵ سال از ۳.۱ به ۶.۱ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده و این میزان نشان از افزایش جمعیت سالمندی در ایران است. به گزارش سازمان ملل متحد تعداد سالمندان ایرانی در سال ۲۰۵۰ به ۲۶ میلیون و ۳۹۳ هزار نفر یعنی ۲۶ درصد کل جمعیت خواهد رسید (نگاره ۲). شواهد نشان می‌دهد که نسبت جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر ایران از سال ۱۳۴۹ تا ۱۴۱۹ کمتر از جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر آسیا، گروه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای کم‌توسعه‌یافته باشد (۷). بر اساس مستندات سازمان بهداشت جهانی افراد ۶۰ و بالاتر به عنوان افراد سالمند شناخته می‌شوند و بر اساس این تقسیم‌بندی سالمندان به سه گروه ۶۰ تا ۶۹ سال «سالمند» (Elder)، ۷۰ تا ۷۹ سال «سالمند سالخورده» (Elderly) و ۸۰ سال و بالاتر «سالمند سالخورده‌تر» (Elderly Older) تقسیم می‌شوند (۱۲). تعداد زیادی از جرائم علیه سالمندان به مراجع کیفری گزارش نمی‌شوند و لذا بزه دیدگان سالمند، بخش عمده‌ای از رقم سیاه بزهکاری را تشکیل می‌دهند و کشف تعداد کمی از موارد خشونت یا آزار سالمندان و مجازات درصد ناچیزی از بزهکاران نوعی عدالت اتفاقی است که مطلوب انسان‌های عدالت‌خواه نیست. هم‌چنین مواردی مانند ناشناخته بودن احساسات و وضعیت زندگی بسیاری از سالمندان، بی‌تفاوتی، برخوردهای غیرانسانی، انواع خشونت‌ها، آزارها جرائم نسبت به آن‌ها و فقدان سیاست جنایی افتراءی نسبت به سالمندان و کاستی‌های قولنی در کنار افزایش جمعیت سالمند در ایران، ضرورت و اهمیت توجه و درنهایت حمایت این قشر ناتوان را از طریق مکانیسم قانونی و نظام

تصویف شد. گروه‌ها و جمعیت‌های بزه دیده به سرعت در سرتاسر آمریکای شمالی و اروپا در حال شکل‌گیری بود. این رشد به طور حتم تأثیر قابل توجهی در بزه دیده شناسی داشته است. نشست‌های بزه دیده شناسی تغییر شکل بزه دیده شناسی را از یک نظام آکادمیک به یک جنبش انسانی و از «تحقیق علمی» (Scientific research) به «عمل‌گرایی سیاسی» (Political Pragmatism) با توجه به نقش بزه دیده در شکل‌گیری جرم و نیز لزوم حمایت از او، بزه دیده را دوباره به قلمرو علوم جنایی وارد کرده‌اند. توجه به حقوق بزه دیده و حمایت از او در نظریه‌های جرم شناختی، می‌تواند زمینه لازم را فراهم کند تا ضابطان قضایی نیز به عنوان یکی از نهادهای عدالت کیفری، تدبیر بهتر و بیشتری برای مشارکت دادن بزه دیده در فرایند کشف جرم و حمایت از او اتخاذ کنند (۹). در تبیین عدالت کیفری، رویکرد حمایت محور از بزه دیده جستجو می‌شود. بزه دیده شناسی حمایتی (Protective Victimology) بر این اندیشه استوار است که نظام عدالت کیفری باید حقوق از دست رفته وی را از طریق حمایت‌های مالی، عاطفی و حقوقی تأمین نماید. براین مبنای یکی از دغدغه‌های مهم کشگران عدالت کیفری را می‌باشد در چگونگی رضایت بزه دیده تبیین نمود. از رهگذر حمایت از بزه دیده سیاست‌گذاران حاکم بر جامعه در جهت کسب منافع سیاسی با تأکید هرچه بیشتر بر حقوق بزه دیدگان و شهروندان غیر بزهکار سعی در جلب افکار عمومی و ایجاد نوعی سیاست (Criminal populist policies) کیفری عوام گرایانه دارند. از این جهت برجسته نمودن آسیب‌های ناشی از بزه دیدگی می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های سخت گیرانه و رسوب آن در قوانین شکلی و ماهوی با تحت تأثیر قرار دادن افراد جامعه و ایجاد فاصله بین بزهکار و غیر بزهکار به اهداف موقت مبارزه با بی‌کیفری و تحقق شعار بیداری دولتمردان و مبارزه با مجرمان دست یابند (۱۰).

موضوع سالمندان بزه دیده تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی جایگاه شایسته‌ای در مطالعات بزه دیده شناسان نداشت. کودک‌آزاری و همسر آزاری در میان گونه‌های خاص بزه دیدگی، بیش از هر موضوع دیگری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی کانون توجه بود. با آغاز دهه ۱۹۸۰ شماری از متخصصان و دانشمندان به‌ویژه جامعه شناسان، روان‌شناسان، روان‌بزشکان و جرم

ناظر بر مجذبی علیه است اما عزت عبدالفتاح «جرائم‌شناس کانادایی» بزه دیدگی را نوعی رویارویی می‌داند که در آن یک طرف بروطوف دیگر غلبه و لطمہ وارد می‌کند (۱۴). بر اساس علمی‌ترین تعریف از بزه دیده که توسط بنیامین مندلسون (Benjamin Mendelsohn) در سال ۱۹۶۷ مطرح شده، بزه دیده شخصی است که به خاطر وضعیت فردی و وابستگی در یک گروه، متهم پیامدهای دردآور و مشقت باری می‌شود و عواملی باریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد. از دیدگاه وی «پیشگیری» (Prevention) امر بسیار مهمی است و برآورد نیازهای جامعه برای حداقل کردن قربانیان در جلوگیری از تکرار و بزه دیدگی، تقلیل بزه دیده واقع‌شدن نقش اساسی را ایفاء می‌کند (۱۵). این واژه نه تنها خود بزه دیده «بزه دیده مستقیم» (Direct) و بازه که خانواده بی‌واسطه «درجه‌یک» یا بستگان بزه دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه دیدگان مصیبت‌دیده یا در جریان پیش‌گیری از بزه دیدگی به آسیب دچار می‌شود «بزه دیدگان نا مستقیم» (Indirect Victims) را هم دربر می‌گیرد. از این‌رو همه بزه دیدگان اعم از مستقیم و غیرمستقیم به جهت این‌که از جرم متضرر شده یا در اثر یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی آن‌ها وارد شده است. مثلاً تمامیت جسمانی آن‌ها خدشه‌دار شده، تمامیت معنوی و تعادل روانی آن‌ها دچار اختلال شده است، اموالشان را ازدست داده یا آسیب اساسی به حقوق آن‌ها وارد شده است. به همین دلیل به لحاظ تجربه بزه دیدگی، نیاز به انواع حمایت، به‌خصوص حمایت‌های فراکیفری دارد.

سالمندی کاهش قوای روانی و جسمی است که در اثر گذشت زمان روی می‌دهد و در کشورهای مختلف با توجه به شرایط فرهنگی و سطح زندگی افراد متفاوت هست. در ایران سن سالمندی تعریف‌نشده است ولی اگر شروع دوره سالمندی را زمان بازنیستگی کامل از خدمت محسوب کنیم. طبق قانون تأمین اجتماعی سن سالمندی برای مردان ۶۰ سالگی و برای زنان ۵۵ سالگی هست و طبق قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ سن بازنیستگی برای مردان وزنان ۶۵ سالگی هست. از ویژگی‌های این دوران می‌توان به کاهش قوای جسمی، بازنیستگی و دور شدن از موقعیت‌های شغلی، تنها، شیوع بیماری‌ها، عدم تعادل روحی و روانی، عدم مراقبت

حمایت اجتماعی آشکار می‌سازند (۱۳). با توجه به این ضرورت، این نوشتار می‌کوشد با اشاره به مفهوم سالمند بزه دیده و جایگاه آن در بین سایر بزه دیدگان خاص، بزه دیدگی سالمدان را در ایران با تکیه بر ناتوانی مکانیسم‌های دولتی و نظام کنترل اجتماعی از بزه دیدگان سالمند شناسایی و درنهایت حمایت‌های کیفری و فراکیفری باسته‌ای را با تکیه بر ناتوانی‌ها و خلاهای موجود در این خصوص ارائه نماید.

### روش مطالعه

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و از روش تحلیل سند استفاده شده است. با تبیین مفهوم سالمند و جایگاه سالمدان بزه دیده از منظر اصول اسلامی - اخلاقی و مقررات ایران، بایدونبایدهای اخلاقی و قانونی در حمایت از سالمدان بزه دیده مورد تحلیل و بحث قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها هم عمدهاً متکی به اصول اسلامی و اخلاقی، مقررات داخلی و ادراک و تحلیل عقلانی بوده و لذا اطلاعات به وسیله ابزارهای سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

### یافته‌ها

بزه دیده (Victim) به شخصی اطلاق می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان و آزار می‌بیند (۱۱). بزه دیده در قوانین کیفری ایران، با واژه مجذبی علیه و یا شاکی مورد توجه قانون گذار قرار می‌گیرد. واژه بزه دیده که از آفرینش‌های کمسیون بررسی اصطلاحات مربوط به وزارت دادگستری و فرهنگستان ایران در سال ۱۳۱۷ بود، به جای مجذبی علیه، استعمال و رایج شده و مفنن ایرانی نیز آن را در قوانین مختلف از جمله ماده ۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به کاربرده است. پدر علم بزه دیده شناسی، هانس فن هنتیگ (Hans von Henning)، بزه دیده را چنین تعریف نموده است: بزه دیده جرم مانند شاکی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتیگ بزه دیده را در مفهوم مضيق خود مطرح ساخت که

اساس یافته‌های پژوهشی در ایران، شایع‌ترین نوع سالمند آزاری به ترتیب سالمند آزاری عاطفی (۷/۳۰ درصد)، سالمند آزاری روانی (۴/۲۵ درصد)، غفلت از سالمندان (۱/۲۵ درصد)، سالمند آزاری مالی (۷/۱۹ درصد)، سالمند آزاری جسمی (۱/۱۳ درصد) و طردشدنگی (۷/۱۱ درصد) است (۲۱). امروزه شواهد بسیاری وجود دارد که از آسیب‌پذیری سالمندان در مقابل بدرفتاری‌ها حکایت دارد. بخشی از جمعیت سالمندان به ناتوانی‌های روانی شدید یا خفیفی مبتلا هستند. سالمندانی را می‌توان تصور کرد که از حق خودمختاری محروم شده‌اند، درحالی که اهلیت دارند این حق را اعمال کنند یا ممکن است در وضعیت‌هایی مانند مراکز مراقبتی که در آن‌ها بسیار آسیب‌پذیر هستند، بدون حمایت باقی بمانند. برخی از سالمندان بزه دیده، از اقدام قانونی علیه مرتكب خودداری می‌کنند، زیرا از انتقام احتمالی می‌ترسند. در بسیاری از موارد مرتكبان سالمند آزاری خود به‌نوعی قربانی وضعیتی هستند که این وضعیت فشار قابل توجهی را بر آن‌ها که اغلب از سالمند مراقبت می‌کند وارد می‌کند (۲۲). از دیدگاه بزه دیده شناسی، این باور وجودارده که سالمندان، به‌ویژه در مورد خشونت‌هایی که تجربه می‌کنند، نقش و حتی تقصیری ندارند.

بزه دیدگی سالمندان بیشتر به جرائمی مانند ضرب و جرح یا آزارهای عاطفی و روانی از قبیل تهدید، تحقیر، طرد و آزارهای جنسی مربوط است. البته میزان بزه دیدگی سالمندان در جرائم مالی، مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت نیز بالاست. از آنجاکه سالمندان ممکن است به دنبال گردآوری پساندازهای بیشتر برای زندگی‌شان باشند، نسبت به این جرائم آسیب‌پذیر هستند. به دیگر سخن، سالمندان از یکسوچون ممکن است حساب‌های پسانداز درخور توجهی داشته باشند واز سوی دیگر، از آنجاکه ترس از پاره‌ای پدیده‌های اقتصادی مانند تورم که توان خرید آنان را کم می‌کند، بیشتر در آستانه نالمنی و بزه دیدگی قرار دارند.

هوارد زهر (Howard Zeher) بر این باور است که در نظام عدالت کیفری سنتی، نیازهای بزه دیدگان مورد مسامحه و غفلت واقع شده است که دلیل آن در تعریف قانونی از جرم هست که در آن بزه دیده جایگاهی ندارد. به اعتقاد زهر، اطلاعات (Information)، بیان حقیقت (Truth)، بازتوانی (Rehabilitation) و جبران یا استیفای حقوق (Compensation of Rights)

محیطی، سوء‌غذیه و... را نام برد. سالمندی جمیعت در ایران با شبیه‌تندی در حال وقوع است لیکن هنوز برنامه‌ریزی و تمرکز کافی در این زمینه صورت نگرفته و ساماندهی امور سالمندان از پشت‌وانه قانونی کافی برخوردار نیست. تحلیل وضعیت فعلی و دورنمای آینده حاکی از وجود چالش‌ها و مشکلات فراوان در حال حاضر و پیچیده‌تر شدن و گسترش یافتن چالش‌ها و مشکلات در آینده نه‌چندان دور است. به‌طوری‌که تابع پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در ایران ۸۷ درصد سالمندان حداقل یک بار آزار را تجربه کرده‌اند (۱۶) با توجه به این‌که سالمند آزاری، کاهش اعتمادبه‌نفس، احساس نالمندی، بی‌تفاوتی، مشکلات روحی، روانی و ناتوانی را برای سالمند در پی دارد (۱۷)، توجه جدی به ساماندهی، حمایت از سالمندان، گرچه دیرهنگام است ولی امری اجتناب‌ناپذیر است. سازمان بهداشت جهانی، سالمند آزاری را نقض حقوق انسانی می‌داند که به شکل غفلت، سلب اختیار، استثمار مالی، آزارهای جسمی، روانی و جنسی خود را نشان می‌دهد (۱۸). بدین‌سان سالمندانی که از رهگذر فعل یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری از جمله قوانینی که سوءاستفاده از قدرت را منع کرده‌اند، به شکل فردی یا گروهی متحمل آسیب جسمی یا روانی، درد ورنج عاطفی، ضرر و زیان اقتصادی یا آسیب اساسی نسبت به حقوق بین‌المللی خود می‌شوند (۱۳)، به عنوان سالمندان بزه دیده (Elderly Victims)، استحقاق بهره‌مندی از انواع حمایت‌های کیفری و فرائکیفری را دارند. تردیدی نیست که بزه دیدگان در جریان انداختن فرآیند عدالت جنایی نقش مهمی ایفاء می‌کنند و اجرای عدالت تنها درگرو به کیفر رساندن بزه‌کار بر پایه یک دادرسی عادلانه نیست، بلکه نیازمند به رسمیت شناختن بزه دیده و حقوقی برای او در چارچوب یک رفتار منصفانه است (۱۱). کودک و سالمند بیش از سایرین در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. کودک به خاطر تلاش مستمر برای جستجو و کسب لذت‌ها و هیجانات قوی و به خاطر وابستگی به خانواده در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارد و سالمند به دلیل ضعف فیزیکی و به‌ویژه اختلال مشاعر آسیب‌پذیر است (۱۳). هرچند سالمند آزاری مفهومی عام‌تر از بزه دیدگی سالمندان دارد (۱۹). با این وجود دو درصد از خشونت‌های خانگی جامعه ایرانی را سوء‌رفتار با سالمند به خود اختصاص داده است و متأسفانه سالمند آزاری رتبه سوم از خشونت‌های خانگی به شمار می‌آید (۲۰). بر

بزه دیده شناسی، بزه دیدگان اغلب معلول عوامل گوناگونی چون ضعف جسمی، عدم تعادل روحی و روانی، فقدان موقعیت اجتماعی و عدم مراقبت‌های محیطی هست. بنابراین احتمال بزه دیدگی برخی از افراد به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارند بیش از سایرین است (۲۴). لذا با امعان نظر بر برقراری تعامل بین رهیافت‌های سالمدان شناسی و آموزه‌های بزه دیده شناسی، بایستی اهمیت تخصصی کردن نگرش به سازوکارهای حمایتی و مساعدتی برای سالمدان بزه دیده را تبیین نمود (۲۵). با این وجود حمایت از سالمدان بزه دیده در حقوق ایران، متأسفانه اغلب در قالب قواعد و مقررات عمومی و مشترک با دیگر بزه دیدگان جلوه‌گر می‌نماید (۲۶).

### مفهوم و گونه‌های حمایتی

بر اساس توصیه‌نامه شماره R۸۵-۱۱ کمیته وزراء شورای اروپا (۱۹۸۵) و نیز کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرائم جنسی، باید تلاش شود تا از این پس موقعیت بزه دیده در چارچوب حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری بهبود یابد. موضع حقوق کیفری فرانسه نسبت به بزه دیدگان به ویژه بزه دیدگان خاص و آسیب‌پذیر نظیر سالمدان بزه دیده بسیار مساعد است. بهموجب قانون ۸ ژوئیه ۱۹۸۶، به آن‌ها امکان می‌دهد تا به عنوان مدعی خصوصی شکایت خود را در دادگاه کیفری اقامه کنند. بزه دیده، علاوه بر دارا بودن کلیه امتیازهای یک‌طرف دعوا، مانند مطالعه پرونده، ارائه دلایل و پژوهش و فرجام‌خواهی، امکان به جریان انداختن رسیدگی را نیز دارد. بزه دیده به عنوان مدعی خصوصی به محض رجوع به قاضی تحقیق یا دادگاه، قاضی را مجبور به اخذ تصمیم می‌نماید و این در شرایطی است که دادسرا ممکن است گزینه عدم تعقیب پرونده را انتخاب کرده باشد. اگرچه نظامهای کامن لا و نظام حقوقی انگلستان، امکان آغاز تعقیب کیفری توسط بزه دیده را به طور رسمی از او سلب نکرده‌اند، ولی بزه دیده را در عمل از محاکمه کیفری کنار گذاشته‌اند. حتی می‌توان گفت که تعقیب کیفری تا سال‌های اخیر هرگز با اقدام بزه دیده آغاز نمی‌شده است. زیرا بزه دیده امکان تقاضای جبران خسارت را از قاضی کیفری نداشته و باید به‌اجبار آن را در دادگاه مدنی طرح می‌کرده است. به ویژه آئین‌نامه معامله اتهام، هرگونه مداخله و ورود او را در جریان مصالحه بین دادستان و برهکار منتفی می‌کند (۲۷).

دیدگان هستند که در فرایند عدالت کیفری ستی مورد بی‌توجهی واقع شده‌اند (۲۳). بر این اساس، بزه دیدگان سالمدان هم مستحق تقویت، پشتیبانی و هواداری در قالب حمایت‌های ذیل هستند: حمایت کیفری که از رهگذر جرم انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری مناسب صورت می‌گیرد. حمایت مالی که از راه‌هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه‌هایی که سالمدان بزه دیده به دنبال وقوع جرم متتحمل آن می‌شود، صورت می‌پذیرد. حمایت پژوهشی که برای جبران آسیب‌های بدنی و روانی سالمدان بزه دیده است. حمایت عاطفی و حیثیتی به عنوان کمک‌های روان‌شناسانه‌ای که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی سالمدان بزه دیده انجام می‌شود. حمایت حقوقی که برای احتراف حق سالمدان بزه دیده و دسترسی وی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌های اوست. درنهایت حمایت اجتماعی که حکومت و دولت با همه نیروهای خود به همراه جامعه مدنی در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی در راه حمایت از سالمدان بزه دیده انجام می‌دهند (۵).

### بحث و نتیجه گیوی

حمایت از بزه دیدگان از طریق فنون حقوقی مختلف که همگی مشمول نظام کیفری نمی‌شوند، ابراز می‌شود. زیرا هدف، ابتدا امدادرسانی به بزه دیدگان و پیشگیری از بزه دیدگی است. امری که خود در وهله اول مستلزم مجموعه‌ای از اقدام‌های ملموس است و با انجمن‌های مردمی فعال در زمینه پیشگیری عمومی و امدادرسانی به بزه دیدگان ارتباط پیدا می‌کند. معاهدت حقوقی که باهدف تسهیل جبران خسارت صورت می‌گیرد، در کنار کمک مادی و روانی، تنها یکی از اجزای مؤلفه‌های امدادرسانی است. اما نوآوری در زمینه جبران خسارت‌های بزه دیدگان، سازمان‌دهی امر جبران خسارت‌های قربانیان بزه توسط دولت است که در سطح وسیعی، مستقل از نظام کیفری و در چارچوب برداشت موسع از مفهوم ترمیم خسارت که شاخص متغیر مدنی است، قرارمی‌گیرد. جبران خسارت بزه دیده توسط خود برهکار، ابتدا از طریق متغیر میانجی‌گری ترغیب می‌شود و تنها در صورت شکست متغیر میانجی‌گری است که به نظام کیفری رجوع خواهد شد. اهمیت حمایت بهخصوص حمایت فرآکیفری از سالمدان بزه دیده زمانی آشکار می‌شود که بدانیم بر اساس یافته‌های علم

۴. مأموران پلیس، به دلیل سن بالا و روحیه زودرنجی در سالمندان، احترام بیشتری به آنان بگذارند.
  ۵. در موقعی که سالمندان بزه دیده، مورد اذیت و آزارهای خانگی قرار می‌گیرند، پلیس نسبت به جداسازی آنان از خانواده و معرفی به مراکز بهزیستی و حمایتی اقدام کند.
  ۶. پلیس به سالمندان بزه دیده، برای تماس‌های فوری، شماره تلفن ویژه‌ای بدهد تا نسبت به پیشگیری از بزه دیدگی مکرر آنان اقدام به موقع صورت گیرد.
  ۷. انجام اقدام‌های پلیسی برای سالمندان بزه دیده، در حد امکان غیرحضوری باشد، به‌گونه‌ای که کمترین مراجعه را به کلالتری و سایر واحدهای پلیسی داشته باشند.
  ۸. در صورت ضرورت حضور سالمند بزه دیده در کلالتری، رسیدگی به کار او، خارج از نوبت صورت گیرد.
- حقوق انسانی و اخلاقی بخشی از حقوق ذاتی، یکسان و انتقال پذیر بزه دیده است که به شأن، منزلت و کرامت انسانی وی بازمی‌گردد و لزوماً جنبه حقوقی و کیفری ندارد. ویژگی این حقوق، اخلاقی بودن مفاهیم آن است و اخلاقی بودن مفاهیم این دسته از حقوق، به این معنی نیست که پشتونه رعایت آن نیز می‌بایست تکیه بر قواعد اخلاقی در جامعه باشد، بلکه این حقوق می‌بایست جامه قانون پوشیده و مورد حمایت قرار گیرند. در بسیاری از کشورها، مقررات تا حدود زیادی بزهکار محور بوده و عمدتاً به حقوق بزهکار اشاره کرده‌اند. مثل حق داشتن و کیل، رسیدگی به جرائم در دادگاه‌ها به صورت علنی و سایر حقوق دفاعی متهم. در کنار این حمایت‌های بایسته از متهمان و بزهکاران، نیازمند گونه‌های متعدد حمایت از بزه دیدگان جرائم هستیم که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا همان‌طوری که بزهکار حق دارد و کیل تسخیری داشته باشد، بزه دیده هم باید و کیل داشته تا با وجود آسیب‌های ناشی از جرم، مجبور نباشد شخصاً به دفاع از حقوق خویش بپردازد یا با هزینه شخصی خود اقدام به اخذ و کیل کند تا عدالت در مورد جرم ارتکابی علیه وی اجرا شود. بزه دیده کسی است که به رغم تحمل بزه، در چرخدنده‌های عدالت کیفری افتاده و اگر نظام عدالت کیفری اجرا و عناصر آن، او را به رسمیت نشناخته و

سیاست جنائی تقنیستی، قضائی و اجرائی ایران در حمایت از سالمندان چندان چشمگیر نبوده است و حتی به نسبت دیگر حوزه‌ها کم‌رنگ‌تر است. قانون گذار ایرانی در هیچ‌یک از متون قانونی واژه «سالمند آزاری» را به کار نبرده است. به عنوان مثال جا داشت در ماده ۶۳۳ و هم چنین ماده ۱۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در کنار کودک بزه دیده، از تعرض به سالمند نیز حمایت کیفری می‌کرد. زیرا بیماری، سالمندی، کودکی، ناتوانی و زن بودن شرایطی است که از دیدگاه جرم‌شناسی شخص را آسیب‌پذیر می‌کند. در اینجا هم حمایت‌ها تنها از سطح سیاست جنائی تقنیستی و در چارچوب حمایت کیفری فراتر نمی‌رود. برای نمونه، از بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان نام برد که در آن «پیری» یکی از عواملی است که موجب می‌شود با رعایت شرایط این بند و تبصره ۲ این ماده، قتل ارتکابی به لحاظ وضعیت خاص بزه دیده، عمدی شناخته شود. هم‌چنین رها کردن شخصی که نمی‌تواند از خود نگهداری کند، در محلی که خالی از سکنه است، جرم خاصی شناخته شده است که یکی از مصادیق آن را می‌توان سالمندان دانست. ماده ۲۲۳-۳ قانون مجازات فرانسه نیز در این خصوص مقرر داشته است: ترک شخص در مکان معمول که در موقعیتی نیست که از خود به دلیل سن یا وضعیت جسمی یا روانی اش، محافظت نماید، مستوجب ۵ سال حبس جنجه ای و ۷۵۰۰ یورو جزای نقدی است. هرچند در سیاست‌ها و برنامه‌های پلیس ایران و حتی فرانسه، جایگاه و تدبیر خاصی برای سالمندان بزه دیده پیش‌بینی نشده و با آنان همانند سایر بزه دیدگان برخورد می‌شود. با این حال، پلیس می‌تواند با اقدام‌های ذیل آسیب‌های را که از ناحیه جرم متوجه سالمندان می‌شود، کاهش داده و به حمایت از آنان بپردازد (۲۸):

۱. پلیس به تماس‌های تلفنی سالمندان بزه دیده پاسخ فوری بدهد.
۲. برای دفاع از امنیت سالمندان بزه دیده، مأموران پلیس سریع‌تر در صحنه ارتکاب جرم حاضر شوند.
۳. پلیس در تعامل با سالمندان بزه دیده، به آنان امید و اطمینان بدهد که حافظ امنیت آن‌ها است. زیرا ترس از بزه دیدگی در میان سالمندان، بهاندازه خود بزه دیدگی، آثار روانی منفی به دنبال دارد.

بی توجهی به شان و جایگاه آنان محسوب می‌شود. باید به این نکته توجه کرد که اگر بزهکاران حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه را دارند، این مغایر آن نیست که گذار از فرایندهای عدالت را برای بزه دیدگان بهویژه اشخاص آسیب‌پذیر مثل سالمدان امکان‌پذیرتر نموده و امکانات و تسهیلات ویژه‌ای برای آنان در نظر بگیریم.

در ماده چهارم اعلامیه «اصول اساسی در مورد عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» که به موجب قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحده رسیده آمده است: با بزه دیدگان باید با همدردی و احترام به کرامت آنان رفتار شود. آن‌ها مستحق دسترسی به سازوکاری قضایی و نیز جبران خسارت‌های وارد به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند. منظور از رفتار کرامت مدار با بزه دیده مستلزم شناسایی نیازهای او، حق دادخواهی، جبران آسیب‌های مادی و معنوی وارایه خدمات قضایی و غیر قضایی به او در فرایند عدالت کیفری است. این رفتار، اعتماد سالمند بزه دیده را تقویت می‌کند. او می‌داند در مواجهه با بزه دیدگی تنها نیست و جامعه از وی حمایت می‌کند. ترس از عدم حمایت و رفتار نامناسب در مراحل مختلف عدالت کیفری، از مواجهه با پلیس تا دادسرا و دادگاه، خود موجب ناملایمات و بزه دیدگی دیگری است که سالمند بزه دیده خود را در معرض آن احساس می‌کند. رفتار توانم با احترام، این حس را در بزه دیده سالمند تقویت می‌کند که نیازهایش شناسایی، خسارتش جبران و دوباره به جامعه بازمی‌گردد و دیگر در معرض بزه دیدگی قرار نخواهد گرفت. نتیجه دیگر، اعتماد سالمند بزه دیده به دستگاه عدالت کیفری است. دو دیگر خود را بیگانه احساس نمی‌کند. در معرفی بزهکاران همکاری می‌کند، توصیه‌ها و مشاوره‌های کارکنان دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس، دادسرا و دادگاه را به صلاح خود تشخیص داده و احساس مثبتی راجع به جامعه پیدا می‌کند (۵).

یکی از عوامل التیام و بهبودی یا فائق آمدن بر تجربه ناخوشایند تحمل جرم توسط سالمند بزه دیده، آن است که وی فرصتی برای بیان ماجرا و سرگذشت خود، آن‌چنان که اتفاق افتاده است، داشته باشد. دلایل درمانی قابل توجهی در این خصوص وجود

حقوق او را مورد تائید قرار ندهند، بدون تردید مشمول بزه دیدگی مضاعف خواهد شد. در شناسایی نیازها و حقوق بزه دیده باید بین نیازها و حقوق مشترک همه بزه دیدگان و نیازها و حقوق بزه دیدگان خاص تفکیک قائل شویم. خاص بودن تحت تاثیر مؤلفه‌ها و عوامل مختلفی از جمله سن و جنسیت بزه دیده، نوع جرم، زمان و مکان ارتکاب جرم است. برای مثال، در بحث نوع جرم، طبیعی است کسی که بزه دیده تجاوز به عنف است، نیازش باکسی که مالش را از دست داده یکسان نیست. چنین شخصی بیش تر نیاز به حمایت عاطفی و روانی دارد، در حالی که مال‌باخته نیاز به جبران خسارت دارد (۵).

یکی از حقوق بنیادین سالمدان بزه دیده، احترام به آن‌هاست و بر پایه آن، رفتار همه‌کسانی که به گونه‌ای با سالمدان بزه دیده در ارتباط‌اند، باید با احترام به شان آن‌ها همراه باشد. پاره‌ای از سالمدان بزه دیده، رفتار دست‌اندرکاران عدالت جنایی را خود بسیار ناراحت‌کننده، اهانت‌بار، نامصفانه و بی‌اعتبا به عواطف، حقوق، نیازها و منافعشان می‌دانند. تا آنجا که گاهی عملکرد این نظام را دومین بزه دیدگی خود انگاشته و آن را از جرم اصلی بسیار ناراحت‌کننده‌تر می‌شمارند. لازمه برخورداری سالمدان بزه دیده از رفتاری محترمانه و دلسوزانه، تغییر دیدگاه دست‌اندرکاران قضایی و تمام کسانی است که با آن‌ها در ارتباط‌اند. افسران پلیس و ضابطان قضایی یکی از این‌هاست اندکاران بوده که برای حساس شدن و توجه به نیازهای سالمدان باید آموزش بینند و رهنمودهایی برای تضمین کمک‌رسانی مناسب و فوری دریافت کنند. بخشی از دلیل نادیده گرفتن نیازهای انسانی سالمدان بزه دیده در نظام عدالت کیفری را می‌بایست در ساختارهای این نظام جستجو کرد. اصولاً چگونگی تعریف وظایف و چیزی مسئولیت‌های دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به گونه‌ای است که همگی آنان تنها هدف کلی کشف جرم و مجازات مجرمان را دنبال می‌کنند و وظیفه دیگری در خصوص دلسوزی نسبت به سالمند بزه دیده بر عهده ندارند. در نظام عدالت کیفری ایران، میزان برخورداری سالمدان بزه دیده از رفتار محترمانه و دلسوزانه، از ضمانت اجراء‌های واقعی برخوردار نبوده و با وجود توصیه‌های کلی و یا بخشانه‌ای نسبت به لزوم تکریم مراجعت، هرگز از نظر چگونگی برخورد با مراجعت، تفکیکی میان بزه دیده و بزه کار صورت پذیرفته و همین مسئله یکی از مهم‌ترین دلایل

جرائم بر خود، بلکه آنچه به نظر وی باید در این باره انجام داد فراهم می‌کند. در این‌گونه نظام‌های حقوقی، این نکته خاطرنشان شده که افزایش مجازات الزاماً به سود سالمندان بزه دیده نیست. فرم دیدگاه‌های بزه دیده فرصتی را به سالمندان جهت مشارکت مستقیم ارائه می‌دهد و اطلاعات فراهم‌شده برای دادگاه می‌تواند در رسیدن به راه حل عادلانه‌تر کمک کند و تا حد امکان خواسته‌های بزه دیدگان سالمند تأمین شود. نکته مهم دیگر تشخیص مرحله مناسب برای ارائه دیدگاه‌های بزه دیدگان است. بررسی‌هایی که در بسیاری از کشورها در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهد که تصمیم‌های گرفته شده درباره آزادی متهم به قید کفالت یا وثیقه، تصمیم‌های مربوط به پیگرد و نیز جبران خسارت، از مراحلی است که برای ارائه دیدگاه‌های سالمندان بزه دیده مناسب دانسته شده‌اند. هم‌چنین برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، این حق را به سالمند بزه دیده داده‌اند که از حکم مناسب برای متهم و آزادی او را از زندان برپایه آزادی مشروط آگاه شود تا بتواند دیدگاه‌ها و گفته‌های خود را در این زمینه در دادگاه مطرح و ارائه کند.

در نظام حقوقی ایران، به تناسب مبلغ تأمین صادرشده با خسارت‌های مورد درخواست بزه دیدگان و پرداخت یا قرار پرداخت ضروری‌باز بزه دیده، به منزله یکی از شروط آزادی مشروط اشاره شده است. ب رای بسیاری از بزه دیدگان، تجربه بزه دیدگی رویداد دور از انتظاری است که زندگی آنان را مختل می‌نماید و بزه دیدگان ممکن است با از دست دادن آشکار تسلط خود از پا درآیند. ممکن است آنان نگران این مسئله نیز باشند که واکنش‌های فوری‌باز این مانند ترس، خشم، وحشت یا احساسات دیگر، امری نامعقول است و ممکن است از انتقام به سبب گزارش دادن رویداد بترسند. از آنجاکه پلیس اولین گروه از عدالت کیفری است که سالمند بزه دیده با آنان مواجه می‌شود، رفتار کرامت مدار پلیس و همدردی با بزه دیده در ایجاد آرامش و امنیت برای وی حائز اهمیت خاصی است. حمایت‌های عاطفی و روانی از بزه دیده سالمند، اهمیت فراوانی دارد. بزه دیده نیاز دارد به صحبت‌هایش گوش داده شود و فرصت صحبت کردن در مورد دردهایی که در اثر جرم برای وی ایجاد شده را داشته باشد و احساساتش موردن توجه و تأیید قرار گیرد. سرزنش سالمند بزه دیده، بر میزان نگرانی و ناراحتی او افزوده و آرامش را از او سلب می‌کند. بنابراین هرگز نباید سالمند بزه دیده فردی بی‌میالات،

دارد. برای بزه دیده سالمند مهم است که داستان تحمل جرم را به کسانی بگوید که عامل ارتکاب جرم آن بوده‌اند تا به آنان بفهماند که ارتکاب جرم چه تأثیری بر زندگی‌شان داشته است (۲). توجه به نگرانی‌ها و آلام بزه دیدگان سالمند، یکی از مسائل مهم و از حقوق و نیازهای انسانی و اخلاقی آنان محسوب می‌شود. سالمند بزه دیده باید حق داشته باشد تا نگرانی‌های خود را در مراحل گوناگون فرایند جنایی، به ویژه درباره آثار جرم بر خود و زمانی که در منافع شخصی اش مؤثر است، بیان کند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، نیازهای، دغدغه‌ها و حقوق بزه دیدگان آن‌گونه که شایسته است، مورد توجه قرار گرفته است. نیاز فوری به فراهم کردن شیوه‌های جبران کارآمدتر سازوکارهای حمایتی برای سالمندان بزه دیده وجود دارد تا آنان را توانا سازد که به نظام عدالت دسترسی پیدا کرده و به گونه‌ای مؤثر در آن مشارکت کنند. لذا باید توجه داشت که نگرانی‌ها و آلام سالمندان بزه دیده فقط با ضمانت اجراهای کیفری قابل رفع نیست (۵). بیان دیدگاه‌ها نگرانی‌های بزه دیده سالمند، افزون بر این که نیاز روحی و روانی وی را تأمین می‌کند، برای اصلاح دیدگاه‌های دست‌اندرکاران عدالت، جامعه محلی و حتی بزه‌کاران نسبت به سالمندان بزه دیده نیز مفید است. بیان پیامدهای جرم می‌تواند در جهت اصلاح حالت بی‌تفاوتی عاطفی در برهکار و تقویت اساس مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گو نمودن وی تاثیر گذار باشد. هم‌چنین لازمه هماهنگی اقدام‌ها و تصمیمات بعدی اعضای جامعه محلی، مقام‌های قصاید و دیگر تصمیم‌گیرندهای با نیازهای بزه دیدگان سالمند، اطلاعاتی است که از این طریق در اختیار آنان قرار می‌گیرد. هم‌چنین گفتگو پیرامون پیامدهای واقعی و ملموس جرم بر سالمندان بزه دیده، موجب دستیابی به هدف کلی ارتقاء درک عمومی نسبت به پیامدهای بزه دیدگی و نیز شناسایی زمینه‌ها و علل و عوامل اجتماعی ارتکاب خواهد بود (۲).

در شماری از نظام‌های حقوقی که در آنجا بزه دیدگان حق تعقیب ندارند، می‌توان از رهگذر فرم اظهارات بزه دیده درباره تأثیر جرم بر خود یا فرم دیدگاه‌های بزه دیده اطلاعاتی را فراهم نمود. از این فرم‌ها در کانادا، نیوزیلند، امریکا و بخش‌هایی از استرالیا ایرلند استفاده می‌شود. این اطلاعات معمولاً قبل از صدور حکم در اختیار دادرس قرار می‌گیرد. فرم دیدگاه‌های بزه دیده فرستی را برای سالمند بزه دیده نه تنها جهت توضیح تأثیر

میزان آسیب‌های ناشی از جرم را افزایش می‌دهد. بی‌گمان افشاری اطلاعات ممکن است منجر به اخلال در فرایند دادرسی از طریق تهدید سالمند بزه دیده گردد. به نظر مسی‌رسد یکی از تضمینات عدم افشاری هویت بزه دیده، جرم انگاری افشاری هویت بزه دیده است که تلاش متهمن برای شناسایی هویت ونشانی آن‌ها به منظور اعمال فشار به بزه دیدگان، و بدین‌وسیله امنیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. بنابراین، برنامه‌های حمایت از بزه دیدگان به منظور جلوگیری از تاثیر تهدید آن‌ها و امتناع از شکایت علیه مرتكب ضرورت دارد. اعلام جرم توسط بزه دیده باعث می‌شود عدالت کیفری بتواند با کمک شکایت بزه دیده اجرا گردد، در غیر این صورت، با سکوت بزه دیده، عدالت قضایی محقق نخواهد شد.

### ناتوانی‌ها و خلاهای حمایتی

یکی از حقوق و نیازهای عینی و مادی بزه دیدگان سالمند در فرایند دادرسی کیفری، حق برخورداری از امنیت است. فرد سالمندی که براثر وقوع بزه، متضرر گردیده است و تحت فشار روانی ناشی از وقوع بزه است، باید شرایط برای وی فراهم شود که بتواند در کمال آرامش وجودی از هرگونه تهدیدی، به حق خودمنی بر جبران خسارت برسد. تأمین امنیت لازم برای این فرد، هم در حوزه نظام قضایی و هم در حوزه نظام انتظامی اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر تصویب قوانین لازم و مؤثر از جانب قانون‌گذار در این زمینه، سازمان‌های اجرایی مرتبط، باید تدابیری را اتخاذ نموده تا بزه دیدگان سالمند بتوانند از این امنیت بهره‌مند شود. تهدید بزه دیدگان و شهود از سوی بزه‌کاران، به منظور منصرف نمودن آن‌ها از گزارش جرم به پلیس و ادای شهادت، نظام کیفری را با معضل جدی مواجه نموده است. این پدیده به‌ویژه در مورد برخی جرائم مانند جرائم سازمان‌یافته و باندی و نسبت به برخی بزه دیدگان سالمند موضوع شیوع بیشتری یافته است. تهدید بزه دیدگان سالمند موضوع تازه‌ای نیست، ولی حمایت از ایشان در قبال این معضل امری است که تنها در دو دهه اخیر در سطح فرامی و ملی به‌ویژه در غرب موردن توجه قرار گرفته است. متولیان سیاست جنایی در ابعاد تقینی و قضایی با آگاهی به گستره و شیوع این پدیده و اختلالی که در اثر این پدیده متوجه نظام عدالت کیفری می‌گردد، بایستی به چاره‌اندیشی و پیش‌بینی تدابیر در زمینه

ترسو وضعیت خوانده شود. بلکه بر عکس، باید با همدلی و اپراز همدردی با او، موجبات تسکین و آرامش او را فراهم کرد. پلیس و سایر دستگاه‌های عدالت کیفری و حتی بستگان و دوستان و آشنایان باید درد و ناراحتی بزه دیده را درد و ناراحتی خود تلقی کرده و با او همراهی نمایند. سالمند بزه دیده نیازمند آن است که پلیس یا سایر دستگاه‌های عدالت کیفری و نیز خوبشان دوستان، اورا در کنار خود نشانده و با همراهانی و عطفت، به خوبی و با حوصله فراوان به اظهاراتش گوش فرا دهند. سالمند بزه دیده نیازمند آن است که احساس کند که تنها نیست و جامعه، پلیس، دستگاه قضایی و بستگان دوستان، همگی پشتیبان او بوده واز وی در برابر بزه‌کار و بزه دیدگی حمایت کرده و تلاش خواهد کرد آسیب‌ها و لطمehای ناشی از جرم را به حداقل ممکن کاهش بدھند (۵).

در فرآیند رسیدگی به پرونده چه در پلیس و چه در مراجع قضایی و یا در سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، اطلاعات و مشخصات زیادی از بزه دیده یا بستگانش وجود دارد که افشاری آن‌ها ممکن است خطرهای جانی و مالی برای سالمند بزه دیده یا بستگانش داشته باشد یا این که به حیثیت و آبروی وی لطمہ وارد کند. افشاری اطلاعات و هویت سالمند بزه دیده ممکن است تعمدی باشد ویا این که در اثر سهل‌انگاری وی مبالغاتی دست‌اندرکاران و کسانی باشد که به پرونده و اطلاعات سالمند بزه دیده دسترسی دارند که در هردو صورت لازم است اقدام‌های ناظری و کترلی لازم از سوی مسئولان مربوط صورت گرفته واز افشاری هویت و مشخصات سالمند بزه دیده و بستگانش جلوگیری شود. ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ناظر بر این حمایت بوده و مقرر می‌دارد: افشاری اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده، توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. در این زمینه جز در مواردی که قانون معین کرده باشد ضابطان قضایی از آن منع شده‌اند. حفظ آبروی بزه دیده یا بستگانش به‌ویژه در جرائم علیه اخلاق و عفت اعم از بزه دیدگان خاص مثل سالمندان و سایرین از سوی بیشتری برخوردار است و هرگونه قصور وی مبالغاتی از سوی متصدیان ذی‌ربط که منجر به افشاری مطالب پرونده و اتفاقات رخداده در فرایند بزه دیدگی سالمند بشود، وضعیت نامساعد روحی و روانی وی و حتی بستگان ایشان را تشدید کرده و

وی در فرایند دادرسی کیفری، مقرره خاصی به تصویب نرسیده است. لیکن به صورت عام در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قانون گذار برای ایجاد امنیت افراد و پیشگیری از هرگونه تهدیدی، مقرر داشته است: هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهاي نفسی یا شرفی یا مالی یا به افسای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از ۲ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.

خسارته که با تهدید سالمند بزه دیده و شهود وی، متوجه وی و دستگاه عدالت کیفری می‌شود، با تهدید اشخاص عادی، قابل مقایسه نیست. زیرا در تهدید اشخاص عادی، فرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه و طرح شکایت خود، خواستار محکومیت و مجازات تهدیدکننده شود، اما با تهدید بزه دیدگان سالمند، اصولاً امکان دستیابی دستگاه عدالت کیفری، به بزهکار، منتفی می‌شود که این امر، زمینه بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضایی و رواج انتقام خصوصی را فراهم خواهد کرد. خوشبختانه در پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات) برابر ماده ۶۰ موضوع تهدید بزه دیده، شاهد یا مطلع به منظور عدم شکایت یا عدم ادای شهادت، اطلاع یا عدول از آن‌ها به طور اختصاصی جرم انگاری شده، ولی فعلاً این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. جرم انگاری خاص در این زمینه، نوعی حمایت بایسته کیفری از بزه دیدگاه به ویژه سالمندان آسیب‌پذیر تلقی می‌شود. این امر در افزایش احساس اعتماد و همکاری سالمندان با ضابطان قضائی و دستگاه قضائی بسیار مؤثر خواهد بود. قانون گذار فرانسوی با ضروری دانست این حمایت بایسته، تهدید یا ترساندن بزه دیده برای وادار کردن او به پس گرفتن شکایت را به شرح ماده ۵-۴۳۴ به مثابه جرم علیه عدالت قضایی، جرم انگاری نموده است (۳۱). برابر این ماده، هرگونه ارتکاب تهدید یا هر اعمال تهدیدآمیز دیگری نسبت به هر کس باهدف ارعاب بزه دیده جنایت یا جنحه، به منظور بازداشت او از ارائه شکوایه یا طرح دعوا، مستوجب ۳ سال حبس جنحه ای و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است (۳۲).

رفتار فیزیکی این جرم، تهدید علیه بزه دیده به عدم گزارش یا شکایت یا استرداد شکایت هست. بنابراین، این جرم تنها از

پیشگیری از وقوع آن و حمایت از بزه دیدگان در معرض تهدید پردازند. در مقررات ایران، قانون اساسی به عنوان قانون مادر و مرجع به موضوع امنیت توجه ویژه دارد. مطابق این قانون حیث، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. توجه به امنیت بزه دیدگان سالمند علاوه براین که حق بزه دیده است. لازمه جلوگیری از بزه دیدگی ثانوی و درمان پیامدهای بزه دیدگی او نیز هست. به همین منظور باید تدبیری برای کاهش نگرانی‌های بزه دیدگان، حفاظت از هویت و زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت، و به طور کلی، تضمین امنیتشان اندیشید (۲). تأمین امنیت شایسته از بزه دیدگان سالمند در موارد ذیل بایستی صورت پذیرد (۲۹).

تدبیر نیروی انتظامی و سیستم قضایی باید به گونه‌ای باشد که سالمند بزه دیده با متهم رویارو نشود، لیکن در صورت ضرورت رویارویی، می‌بایست از سالمندان بزه دیده مراقبت و نگهداری نمود تا از آسیب‌های احتمالی متهم در امان بمانند. مراحل گوناگون فرایند جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس سالمند بزه دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی جویانه متهم به پایین‌ترین سطوح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی، دراو احساس امنیت ایجاد کند. به همین منظور نام، آدرس، اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن و دیگر مشخصات سالمند بزه دیده را نباید فاش کرد. در ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری قانون گذار، افشاگری اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری را جز درمواردی که قانون معین نموده باشد، ممنوع کرده است. ممنوعیت مذکور در این ماده، جنبه حمایتی داشته و تخلف از آن مشمول ضمانت اجرای ۳ ماه تا ۱ سال انقضای از خدمات دولتی به شرح مندرج در ماده ۶۳ خواهد بود. ناگفته نماند که چنین موردی، مصدق خاص از جرم عام افشاگری اسرار حرفة‌ای مقرر در ماده ۶۴۸ قانون ۱۳۷۵ مجازات اسلامی بوده و لذا از موارد تعدد معنوی نیست (۳۰).

ضابطان قضایی علاوه بر برقراری ارتباط برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی به بزه دیده سالمند، می‌بایست تدبیری را برای پیشگیری از تهدیدها یا فعالیت‌های تلافی جویانه متهم یا خانواده دوستان او به کار گیرند تا بزه دیده سالمند بتواند دور از هرگونه اقدام تهدیدآمیزی در مراجع انتظامی حضور یابد. در قوانین ایران، هرچند در خصوص تأمین امنیت بزه دیده و خانواده

علاوه بر معرفی شهود در هنگام تحقیقات، به عنوان یک حق شهروندی کلیه بزه دیدگان حق دارند از تحقیقات مقدماتی هم اطلاعات لازم را کسب نمایند. محروم نمودن سالمدان بزه دیده از کسب اطلاعات پرونده کیفری، باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند مقدمات دسترسی مناسب برای رسیدن به حقوق خود را فراهم نمایند. به عبارت دیگر، کسب اطلاع از پرونده، می‌تواند موجباتی برای دفاع از حقوق سالمدان بزه دیده از قبیل انتخاب وکیل فراهم نماید. ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری ایران، حق اطلاع بزه دیده و دسترسی وی به اطلاعات پرونده را بدین شکل پیش‌بینی نموده است: شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورت مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که بزه دیده، شهود و دلایل خود را به چه مرجعی معرفی و ارائه می‌نماید؟ و ارائه رونوشت صورت جلسه تحقیقات مقدماتی به شاکی، با مجوز جه مقامی است؟ در پاسخ باید قائل به تفکیک شد. درصورتی که مشهود بودن جرم، شاکی می‌تواند شهود خود را به ضابطان عام دادگستری معرفی و دلایل خود را به آنان ارائه نماید و مقام‌های مذکور، موظف‌اند نسبت به بررسی و ثبت اظهارات شهود و دلایل شاکی اقدام نمایند. اما درصورتی که جرم غیرمشهود باشد و شاکی نیز به ضابطان دادگستری مراجعه نماید، آنان پس از اخذ دستور مقام قضایی، اقدامات مشابه را انجام می‌دهند. لیکن در هردو صورت، ارائه رونوشت از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی، باید با مجوز مقام ذیصلاح قضایی صورت پذیرد. زیرا تشخیص منافات با ضرورت کشف حقیقت با مرجع قضایی است (۲۹).

از دیگر حمایت‌های بایسته از همه بزه دیدگاه به‌ویژه بزه دیدگان خاص، حق حضور در معایینات محلی است تا به جهت دفاع از حقوق خود، دلایل و اظهارات لازم را ابراز نمایند. قانون گذار ایران، در ماده ۱۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته است: معاینه محلی و تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام

طریق فعل قابل تحقق هست و به هیچ عنوان ترک فعل نمی‌تواند باعث تحقق آن شود. این حمایت بزه دیده مستقیم که جرم به طور مستقیم نسبت به وی واقع شده است یا بزه دیده غیرمستقیم که از بزه دیده شدن دیگری آسیب‌دیده است را دربرمی‌گیرد. لذا درصورتی که شخصی، سالمدان را به عنوان اولیاء دم مقتول تهدید نماید تا شکایت نکنند، به قطع مشمول این حمایت بایسته کیفری خواهند شد. به جهت حمایت از امنیت و حقوق جامعه و آزادی‌های فردی، این جرم از جرائم مطلق دانسته شده که حتی نیازی به حصول نتیجه هم ندارد. از سوی دیگر، به خاطر حمایت بایسته از بزه دیدگان، قانون گذار فرانسه در ماده ۴۳۴-۵، در کنار تهدید صریح، تهدید ضمنی را هم با آوردن عبارت «عمل ارعاب انگیز»، مشمول این حمایت کرده است (۳۳). ناگفته نماند در نظام حقوقی کامن لا، شاهد به معنای هر فردی است که در جایگاه شهود قرارگرفته و مبادرت به دادن اطلاعاتی در خصوص جرم می‌نماید. بنابراین هنگامی که تهدید شهود مطرح می‌گردد به مفهوم تهدید بزه دیده، شاهد به معنای خاص و کارشناسانی که در جریان رسیدگی به پرونده مبادرت بر ارائه توضیحات کارشناسی می‌نماید، خواهد بود.

استناد بین‌المللی و منطقه‌ای هم در کنار حمایت و جبران خسارت از بزه دیدگان، به جهت جلوگیری از بزه دیده شدن شهود یا بزه دیده شدن مجدد قربانیان جرم اولیه، توصیه به حمایت کیفری از شهود و بزه دیدگان نموده‌اند. در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فرامملی (۲۰۰۰) (معروف به کنوانسیون پالرمو)، بزه دیدگان سالمدان همانند سایر بزه دیدگان مشمول حمایت‌های جبران خسارات ناشی از جرم؛ تعقیب کیفری و مجازات مجرم و تأمین امنیت بزه دیده از تعرضات احتمالی مجرم یا همدستان یا نزدیکان وی شده‌اند. برابر ماده ۲۵ این کنوانسیون که به جرم انگاری تهدید علیه شهود پرداخته است؛ هرکشور عضو، قوانین و سایر اقدام‌های مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا موارد زیر درصورتی که به صورت عمدى صورت گیرد، جرم کیفری تلقی گردد. با توجه به این که این کنوانسیون در سال ۱۳۸۷ به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران رسیده است، لذا جرم انگاری تهدید شهود و بزه دیده و سایر اشخاص نزدیک به آن‌ها، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران هست (۳۳).

می‌توانند از کمک‌های انجمن‌های دولتی با انجمن‌های کمک به بزه دیدگان نیز بهره‌مند شوند و در صورت ارتکاب یکی از جرم‌های مذکور در مواد ۱۴-۷۰۶ و ۳-۷۰۶، به کمیسیون جبران خسارات وارد به بزه دیدگان هم رجوع می‌کنند. هرچند در ایران از دیرباز مسئله جبران خسارت از بزه دیدگان پیش‌بینی شده است، ولی خلاصه‌ای به‌ویژه در مرحله اجرا و عمل در این زمینه وجود دارد. امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در ضمن دعوای عمومی (کیفری)، در مقررات ایران سابقه طولانی داشته و از زمان تصویب قانون اصول محاکمات جزائی ۱۲۹۰ هم چنان پایدار مانده است. قانون گذار در مواردی حتی دادستان را موظف نموده بود تا قبل از جلسه رسیدگی، بزه دیده را از این حق قانونی مطلع نماید. به‌وجب تبصره ۲ ماده ۶۶ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری مکلف‌اند بزه دیدگان جرائم مربوط به اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه سازند. ضمن این‌که برابر ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری، آگاهی متهمن، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط از حقوق خود و فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق، جزء ضروریات بوده است. قانون گذار به‌منظور حمایت شایسته از بزه دیده هم به‌طور خاص در ماده ۳۸ همان قانون، ضابطان دادگستری را مکلف کرده است تا بزه دیده را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر ماضدت‌های حقوقی آگاه سازند. در این میان، امکان بازداشت محکوم‌علیه به دلیل امتناع از پرداخت خسارات مورد حکم دادگاه، به تقاضای بزه دیده هم تضمینی کیفری برای انجام تعهدات از سوی بزه‌کار است. از آنجاکه حکم به جبران خسارت ناشی از جرم معمولاً با حکم به مجازات بزه‌کار همراه است، اولویت بخشیدن به هریک از این دو می‌تواند رویکرد نظام قضایی را به این مسئله نشان دهد.

هرچند خشونت علیه سالمند یک معضل جدی اجتماعی است که در تمام گروه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دیده می‌شود و بر کیفیت زندگی سالمندی تاثیر می‌گذارد، لیکن این خشونت و بزه دیدگی سالمندان به‌طور کلی غالب مخفی مانده و تنها مقدار کمی از آن گزارش می‌شود و لذا بزه‌کاری علیه سالمندان از رقم سیاه بالایی برخوردار است.

معاینه نیست. ظاهر ماده بیانگر آن است که برای انجام معاینه محل، دعوت از اصحاب پرونده ضروری نیست و بازپرس از ایشان دعوت نمی‌کند (مگر در موارد ضروری)، اما اگر خودشان حاضر شوند، مقام قضائی یا ضابط دادگستری نمی‌تواند مانع از حضور ایشان شود. این ظهور با منطق حقوقی، سازگار نیست. چراکه این حق بایستی برای افراد ذی‌نفع از جمله همه بزه دیدگان برقرار باشد و لازمه حضور در معاینه محلی هم این است که از زمان آن مطلع باشند. در غیر این صورت، استفاده از این حق موضوعاً متفقی می‌شود. بنابراین جهت اجرای عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق افراد مقام قضایی یا ضابطان دادگستری باید زمان معاینه را به کسانی که در امر کیفری دخیل هستند از جمله بزه دیدگان، اطلاع دهند. بدین‌سان با دعوت از سالمند بزه دیده به معاینه محل، نه تنها در بررسی دلایل از راهنمایی‌های وی در تکمیل پرونده استفاده می‌شود، زمینه احقيق حقوق سالمندان بزه دیده هم فراهم می‌شود (۲۹).

درگذشته با جنبه عمومی بخشیدن به بسیاری از جرائم توسط دولت‌ها، رفتارهای خمامات اجراهای کیفری جایگزین جبران خسارت از بزه دیدگان شدند. با ظهور عدالت ترمیمی و تحت تأثیر آموزه‌های آن، اندیشه لزوم جبران خسارت دولتی از بزه دیدگان هم توسط اندیشمندان متعددی مطرح و دنبال گردید و کشورهای مختلفی نیز از این اندیشه‌ها استقبال کرده و آن را به کار بستند. در سطح بین‌المللی هم این اندیشه در کنگره بین‌المللی حقوق کیفری ۱۹۷۴ و قطعنامه کمیته وزرای شورای اروپا مطرح شد تا سرانجام کنوانسیونی اختصاصی در سطح اروپا راجع به جبران خسارت قربانیان جرائم خشونت‌آمیز مطرح گردید (۲). افسران و ماموران پلیس قضائی فرانسه برابر مواد ۱-۵۳ و ۷۵ قانون آئین دادرسی، مکلف شده‌اند از هر طریق ممکن بزه دیدگان را به شرح ذیل از حقوق خود آگاه کنند: درصورتی که دعوای عمومی توسط دادرسا به جریان افتاده باشد یا مرتکب جرم توسط دادگاه صالح، مستقیماً احضار شده باشد یا نزد بازپرس طرح شکایت شده باشد، او می‌تواند اقامه دعوای خصوصی کند. چنانچه به عنوان مدعی خصوصی وارد دعوا گردند، می‌توانند از ماضدت یک وکیل انتخابی توسط خود یا وکیل ماضدتی کانون و کلا بهره‌مند گردند. در کنار حق جبران خسارت وارد توسط بزه‌کار، بزه دیدگان

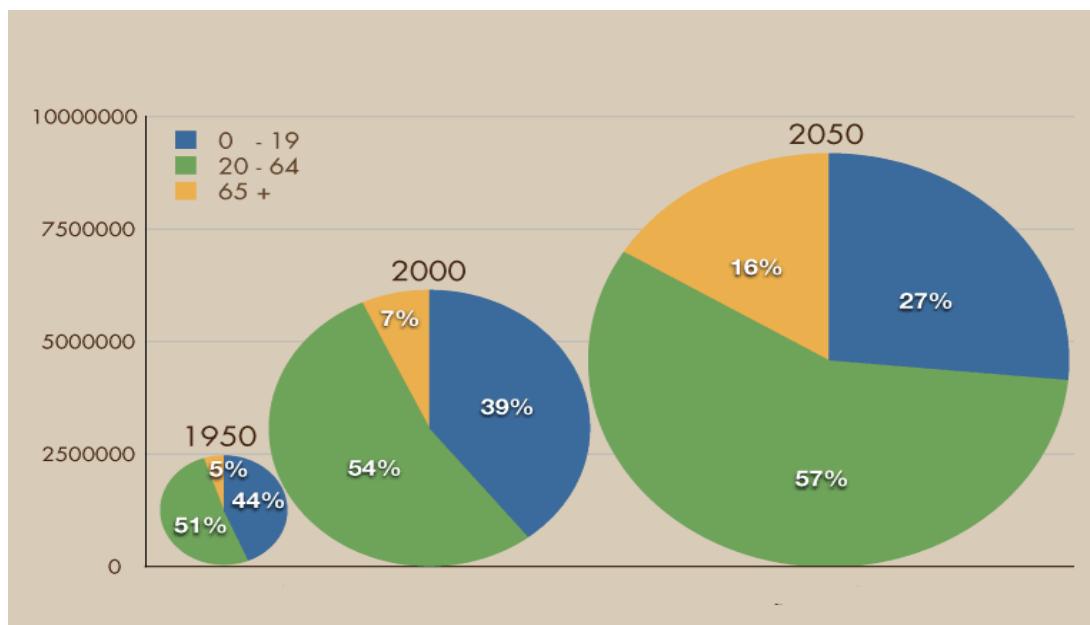
از جمله دلایل عدم گزارش بزه دیدگی ناشی از سوء رفتار با سالمدان را می‌توان به وابستگی‌های گوناگون جسمانی، مالی، مراقبتی، عاطفی و غیره آنان اشاره کرد. تجربه زندگی برای سالمند، نوعی احساس امنیت را به همراه می‌آورد، تا جایی که او چندان خود را در برابر خطر وقوع جرم بی‌دفاع و ضعیف احساس نمی‌کند و با توجه به گذشته زندگی خود احساس می‌کند که می‌تواند از خود مراقبت کند. لذا حمایت قبل از بزه دیدگی سالمندی، نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و هم‌چنین حمایت‌های کیفری و فراکیفری برای این گروه از اقسام جامعه ضروری به نظرمی‌رسد و می‌طلبید قانون گذار قوانین ویژه و خاصی برای سالمدان وضع نماید. چراکه فقدان قوانین کارآمد و مناسب برای حمایت از سالمدان موجب می‌شود تا به راحتی حقوق سالمدان سلب شود.

مطالعه تغییرات ساختار سنی جمعیت از آن جهت دارای اهمیت است که در اکثریت بودن هر یک از گروه‌های سنی، نوع و کم و کیف نیازهای جمعیت را تغییر می‌دهد و از آنجایی که ایران یکی از کشورهای دارای بیشترین سرعت رشد جمعیت سالمندی هست، سیاست‌گذاری‌های جنایی نیز می‌بایستی با این تغییرات هم سو باشد. ازین‌رو، به جهت حمایت‌های کیفری ناقص از سالمدان بزه دیده و وجود ناتوانی‌ها و خلاهای حمایتی فراکیفری درباره این قشر آسیب‌پذیر، سیاست جنایی ایران می‌بایستی با تاثیر از آموزه‌های عدالت ترمیمی و بزه دیده شناسی حمایتی، با اتخاذ سیاست مشارکتی حمایتی فراکیفری متحول شود.

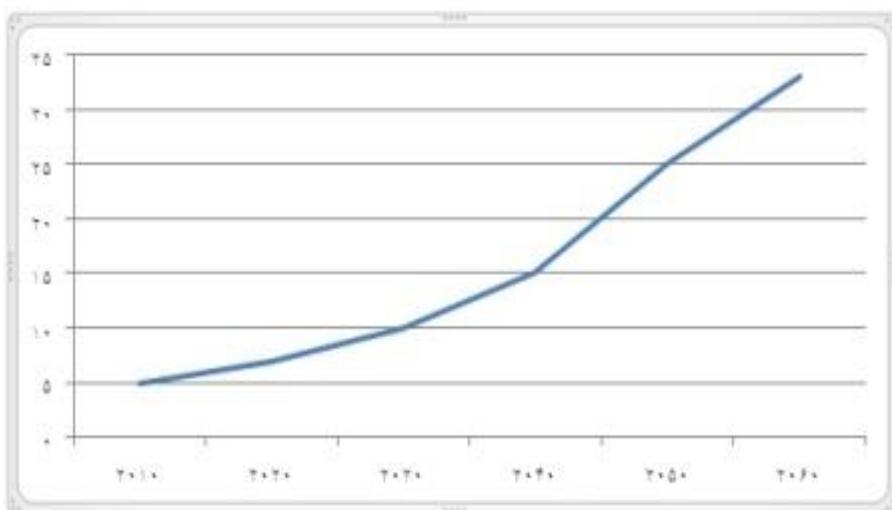
### ▪ References

1. Behrouzia M. Prevention of secondary victimization. Scientific and Practical Conference on Crime Prevention. Center for Social Studies & Criminology. Social Deputy & Crime Prevention of the Judiciary. Mashhad. 2010 March 3-4: 81-121. Available from: <https://alborzpishtgiri.eadl.ir/Portals/4/Books/Rahyaftha2.pdf>
2. Behrouzieh M. New Approaches to Crime Prevention. Vol. 2. Tehran: Social Deputy & Crime Prevention; 2013.
3. Forough Ameri G, Govari F, Nazari T, Rashidi Nejad M, Afsharzadeh P. (2002), the Adult Age Theories & Definitions. Journal of HAYAT. 2002; 8 (1):4-13.
4. Haghighiyan M, Hashemianfar A, Balvardi Z. The Experience of ageing & Role Identity Challenges of the Elderly: A Qualitative Research. Journal of Qualitative Research in Health Sciences. 2015; 4 (3):339-350.
5. Ghavam MA. Victims' Rights & Their Demands from the Police. Journal of Social Discipline. 2010; 2 (2): 61-103.
6. Ahadi F, Mohammad Panahi M. (2016), Feasibility of Operating Victimology Clinics in Sex Offenses. Scientific Journal of Research Approaches in the Social Sciences. 2016; 2 (7): 348-357.
7. Grossi S, Safi Zadeh H, Samdian F. The Study of Relationship between Social Support & Quality of Life among Elderly People in Kerman. Jundishapur Scientific Medical Journal. 2017; 11 (3): 303-315.
8. Abdolfattah E. (1997), Criminology & Victimology. [I. Rahimi Nejad, Trans]. Journal of Mofid Name. 1997; (18): 93-122.
9. Ghavam MA. The Role of Victims in Detecting Crimes & Police Protection from Them. Journal of Social Discipline. 2013; 5 (3): 111-144.
10. Jafarian Souteh H. From Oriented-Security Criminal Justice to Oriented-Dignity Criminal Justice (Causes, Solutions). Journal of Criminal Law Thoughts. 2015; 1 (1): 35-56.
11. Rayejiyan Asli M. Victimology (Victimology & Criminal Science Developments). Vol. 1. Tehran: Shahrdanesh Publications; 2011.
12. Mirzaei M, Shams Ghahfarokhi M. Demography of Elder Population in Iran over the Period 1956 To 2006. Salmand: Iranian Journal of Ageing. 2007; 2 (3):326-331.
13. Abbasi H. Elderly Victims; Aetiology & Explanation of Supportive Vacuums, Journal of Dadras. 2014; 18 (105): 43-48.
14. Gerar L, Jannah P. Victim & Victimology. [R. Kord Alivand R, A. Mohammadi, Trans]. Tehran: Majd Publishing; 2000.
15. Najafi Abrandabadi AH. Criminology Course Overview (Victimology Topics). Ghanad F (Preparation & arrangement). Faculty of Law. Shahid Beheshti University; 1994.
16. 87% of Elderly Abuse in Iran [Internet]. 2010 [updated 2019 November 30; cited 2010 October 2]. Available from: <https://www.fardanews.com>
17. Honarvar B, Maleki Z, Ghabibi Z, Bahadori F. Structured Review of the Prevalence of Violence against the Elderly in Iran during 2011-2017. Eleventh Student Conference on Health Sciences in Iran; 2018. Available from: <https://www.civilica.com/Printable-IHSC>

18. Ghayomi Houshyar N. Pathology of the Elderly Abuse Phenomenon: Violence against the Elderly [Internet]. 2018 [updated 2019 November 30; cited 2018 December 2]. Available from: <https://article.tebyan.net>
19. Zandi F. An Introduction to Different Aspects of Aging Abuse. Legal Quarterly of Justice. 2005; (52-53): 325-352.
20. Jafari R. Third Degree of Domestic Violence Abuse [Internet]. [Updated 2019 November 30; cited 2019 June 16]. Available from: <http://www.ion.ir/news>
21. Molaei M, Etemad K, Taheri Tanjani P. Prevalence of Elder Abuse in Iran: A Systematic Review and Meta Analysis. Salmand: Iranian Journal of Ageing. 2017; 12 (2):242-253.
22. Griffiths E, Roberts G, Williams J. Elder Abuse and the Law "Investigating the Legal Aspects of Elder Abuse in the UK".[M. Sabouri Pour, Trans]. Legal Quarterly of Justice. 2005; (52-53): 375-398.
23. Zeher H. The Book of Restorative Justice. [H. Gholami, Trans]. Tehran: Majd Publishing; 2009.
24. Zakavi M. Criminal Support for Disabled Persons in International Documents & Domestic Law. First National Conference on the Philosophy of Law with an Emphasis on Islamic Philosophy of Law. Islamic Azad University. Ramhormoz Branch; 2012. Available from: <https://www.civilica.com/Paper-ISLAMICLAW0>
25. Samavati Piroz A. The Study of Adult Age from the Viewpoint of an Interaction between Aging & Victimization with the Emphasis on a Survey in England. Medical Law Journal. 2009; 3 (9):89-112.
26. Haji Tabriz Firouzjaie H. Elder Abuse & Punishment in the Iranian Criminal Justice System in the light of United Nations Documents (Take a look of British Acts). Crime Prevention Studies Journal. 2011; 6 (20): 73-97.
27. Delmas Marty M. The Great Systems of Criminal Policy. [AH. Najafi Abrandabadi, Trans]. Tehran: Mizan Publishing; 2014.
28. Ghavam MA. The Role of Police in Protecting Victims & Reducing Criminal Injuries. Tehran: Kowsar Hadith Publication "Applied Police Prevention Investigations"; 2011.
29. Biranvand R. Officers Responsibility in Citizenship Rights. Qom: Gaza Publishing; 2009.
30. Khaleghi A. Notes in the Code of Criminal Procedure. Tehran: Shahrdanesh Publications; 2014.
31. Kousha J. Crimes against Judicial Justice. Tehran: Mizan Publications; 2002.
32. Goodarzi Boroujerdi MR, Moghadadi L. Introduction to the French Penal Code. Tehran: Khorsandi Publications; 2016.
33. Yekrangi M. Crimes against the Administration of Judicial Justice. Tehran: Khorsandi Publications; 2012.



نگاره ۱: رشد جمعیت سالمندی در جهان



نگاره ۲: رشد جمعیت سالمند در ایران